

پروپوزیشن کا عنوان اور مطالعات فرہنگی  
سال جامع علوم انسانی  
گونا گون

• ماسک صبا و بتھون / مهندس عبدالحمید اشراق

• آخر و عاقبت کارها / علی آگاہ

## صبا = پتهون

۱۹۵

دو ماسک خاموش، اما گویا و به یکدیگر شبیه.

اکثر بینندگان می‌گویند: «گویی ماسک‌های این دو هنرمند متعلق به پس از مرگشان می‌باشد»؛ در حالیکه این ماسک‌ها در زمان حیاتشان تهیه شده است.

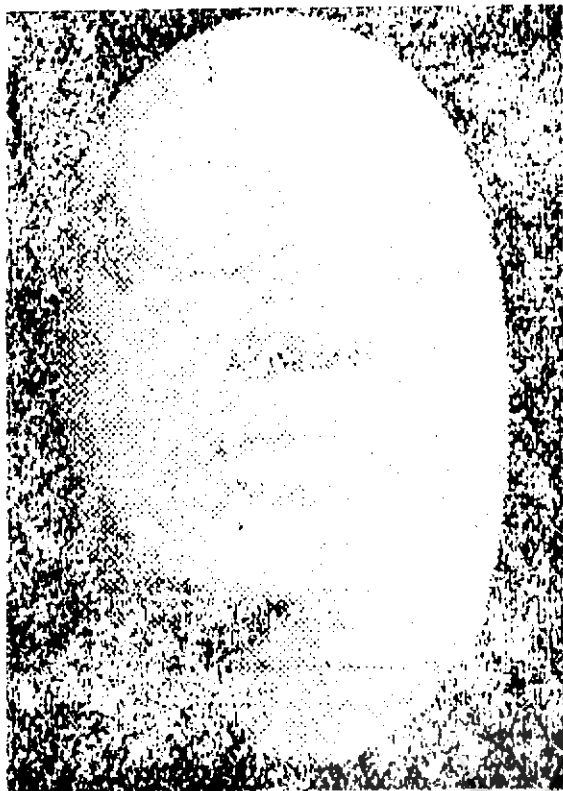
نیروی جاذبه‌ای که در این قطعات گچی وجود دارد، بیننده را به دقت بیشتری در حین تماشا وا می‌دارد. شباهت واضحی بین پیشانی و بینی این دو هنرمند وجود دارد؛ بینی هر دو کوتاه و پهن و نسبتاً درشت است؛ چهره‌های هر دو بدون نگاه، به ضوری که بر هیچ کس تأثیری نمی‌گذارند؛ نه در زنی عشقی الهام می‌کنند؛ نه در مردی کشتی به وجود می‌آورند و نه بر چهره کودکی لبخندی می‌آفرینند.

تفاوت‌های این دو ماسک در نحوه تهیه و توزیعشان در میان علاقه‌مندان و همچنین واکنش‌های این هنرمندان در حین ساخت است.

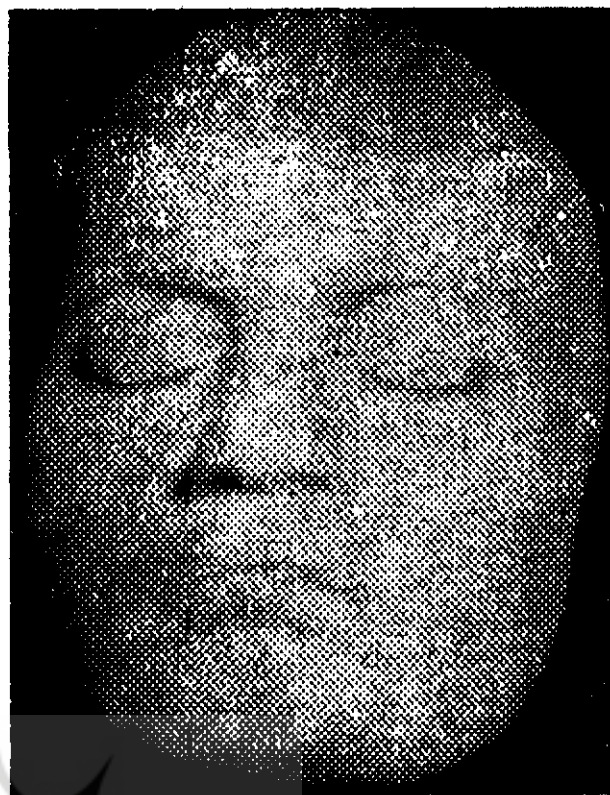
روش تهیه ماسک صبا:

قالب‌گیری این اثر هنری صبح روز جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۳۳ در منزل ابوالحسن صبا انجام شد و در تاریخ موسیقی ایران به ثبت رسید.

خانه صبا در خیابان شاه‌آباد، کوچه ظهیرالدوله واقع شده که میراث پدر هنردوستش «کمال السطنه» بود.



● ماسک صبا



● ماسک بتهون

خانۀ مزبور منزلی کوچک بود که مسکن حاندانی بزرگ به شمار می‌رفت. قسمتی از این خانه توسط «منتخب خانم»، همسر صبا، اداره می‌شد و به او اختصاص داشت. وی شاگردان بسیاری را در زمینه‌های؛ طراحی لباس، گلدوزی، گل‌سازی و به خصوص سوزن‌دوزی‌های ایرانی تربیت کرد؛ همچنین ۶۸ جزوه و کتاب تدوین نموده که اکنون موجود است که از میان آن‌ها، کتاب «نگرشی به روند سوزن‌دوزی‌های ایران»، بسیار مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفته است.

ابوالحسن صبا نیز در طبقه دیگر منزل، کانون محبتی ایجاد کرده که محل اجتماع و محفل موسیقی‌دانان برجسته بود و دقیقه‌ای نبود که زنگ در، یا برای صبا و یا برای منتخب خانم به صدا در نیاید.

در همین طبقه بود که ماسکی از چهرۀ ابوالحسن صبا، توسط دوست عزیزم، «پرویز تناولی» و برادرش «جمشید» ساخته شد. در آن زمان یعنی نزدیک به پنجاه سال پیش؛ تناولی چنین شهرت جهانی‌ای را نداشت، اما صمیمیت و صفای وجودی او سبب شد که، بی‌درنگ و بی‌هیچ دستمزدی درخواست را بپذیرد و ماسک را به نحو شایسته‌ای بسازد

صبا به مدت دو ساعت، بی‌هیچ واکنشی، لوله‌هایی را که در بینی‌اش گذارده شده بود تحمل کرد و کلامی بر زبان نیاورد. پس از اینکه کار به خوبی انجام گرفت و ماسک ساخته شد؛ نفس



● مهندس عبدالحمید اشراق

راحتی کشید و گفت: «دوستان بنشینید؛ من که نمی‌توانم جوابگوی محبت‌های شما باشم و پاداشی تقدیم کنم؛ برای همین پاداش شما را با نواختن چند قطعه با سه تار می‌دهم. آن وقت سه تار را برداشت و حدود ده دقیقه با شیوه مخصوص خود نواخت و دستمزد یرویز تناولی را پرداخت.

تناولی همواره این رفتار ارزنده و پسندیده صبا را بازگو می‌کند و ماجرای ساختن ماسک چهره او را جزء یکی از خاطرات شیرین خود می‌داند. و اما روش تهیه ماسک چهره بتنون:

این ماسک در ۴۱ سالگی بتنون، توسط «کلین» (kelin)، ساخته شد. بتنون در نخستین روز تهیه ماسک چنان از خود بی‌خبری نشان داد که کلین موفق به تهیه آن نشد و کار را به جلسه دیگری موکول کرد.

ماسک اصلی که چین‌ها و سالک‌های باقی مانده از آبله دوران کودکی بتنون را به خوبی نشان می‌دهد؛ در خانه بتنون قرار دارد. ولی در عکس زیر که خوانندگان ملاحظه می‌کنند این جزئیات و خطوط به چشم نمی‌خورد. ماسک چهره بتنون در میلیون‌ها اتاق در سرتاسر دنیا به دیوار آویخته شده است. اما من نمی‌دانم ماسک صبا در چند اتاق ابران نصب شده است؟!

اگرچه تصویر بتنون و ناپلئون مورد تحسین جهانیان قرار گرفت، اما در هر کشور مشاهیر ملی

و خادمین فرهنگ و هنر تنها مورد احترام مردم آن کشور می‌باشند و در خارج از آن شهرتی ندارند.

این دو ماسک هر یک مفاخری آفریدند؛ یکی در سطح جهانی و دیگری در سطح یک کشور. بتهون؛ آهنگساز نامدار دورهٔ رمانتیک؛ عنصر هیجان و احساسات را به موسیقی اضافه کرد. که تا آن زمان سابقه نداشت. «ابوانحسن صبا؛ با هنر خود به نحوهٔ نواختن ویولن در ایران ارزشی داد که تا آن زمان وجود نداشت.

بتهون با ایجاد ابداع و ابتکار در آهنگسازی، فاصله‌ای بین گذشته و آینده ایجاد کرد؛ زیرا پیش از او برای ساختن قطعات موسیقی از دستورات و قواعدی که در اصطلاح «اصول کلاسیک» نامیده می‌شود، تبعیت می‌شد؛ اما وی این سنت را شکست و شیوه‌ای نوین آفرید و اما صبا؛ جنبشی در موسیقی ایران ایجاد کرد و مکتب تازه‌ای را بنیان نهاد؛ به طوری که علیرغم مرگ زودرسش (۵۵ سالگی)؛ شهرت او سراسر ایران را فراگرفت و نامش همچنان جاودان مانده است.

آنچه در خاتمه باید اضافه کرد این است که دو ماسک مزبور، نماد توجه، بزرگداشت و جاودانگی نام می‌باشند. اگر چه بدون داشتن آگاهی قبلی نمی‌توان دریافت که آن دو، موسیقی‌دان بوده‌اند؛ و اینکه در پشت این پیشانی‌های صاف که جز یک قطعه گچ چیز دیگری نیست چه اندیشه‌هایی نهفته است؛ اما با این حال، حسن ساختن و دیدن آنها در این است که بیننده را وادار می‌کند که به عمق آثار این موسیقی‌دانان برجسته توجه و رخنه کند و درسی از خلاقیت‌های آنها بیاموزد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی